

ارزیابی تأثیر جنسیت مفسر در برداشت از متن؛ مطالعه موردی آیه ۳۴ سوره نساء

فرزاد دهقانی^۱

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به دنبال امکان‌سنجی برداشت و خوانش مردانه در آیات حوزه زن در طول تاریخ بود و مدل مواجهه قرآن با جنسیت زن، متناظر با گفتمان پیش از اسلام را به عنوان مبنای سد خوانش جنسیتی بازنشاسی کرد. **روش:** پژوهش حاضر با ابزار گردآوری اسنادی - کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی و سطح تحلیل تحلیل محتوا به سرانجام رسیده است. **یافته‌ها:** بررسی دیدگاه مفسران از قرن دوم تا چهاردهم، بیانگر تأثیر جنسیت در برداشت از متن و در نتیجه، خوانش مردانه در مطالعه موردی بود؛ به طوری که از قرن دوم تا سیزدهم به سبب گفتمان، دوره و بوم مفسران، خوانشهای برتری جنسیتی مشهود است و در قرن ۱۴ و ۱۵، به سبب تعدیل گفتمانی، برتری جای خود را به تفاوت‌های جنسیتی بدون ملاک برتری داده است. **نتایج:** توجه مفسر به این نکته که جنسیت زن در جاهلیت پایین بوده و خداوند مهندسی مخصوص و سبک فراجنسیتی جایگاه جنسیت زن را ارتقا داده است و در منظومه دینی و زندگی زناشویی، اقتصادی و سیاسی برای زن، بر خلاف گفتمان موجود، هویت‌سازی کرده است، می‌تواند سد خوانش جنسیتی باشد. برداشت فراجنسیتی از آیه ۳۴ نساء بر اساس سیاق، نافی خوانشهای برتری جنسیتی است.

واژگان کلیدی: جنسیت، خوانش مردانه، هویت‌سازی، برتری، زن.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری. سبزواری، ایران.
f.dehghani@hus.ac.ir

الف) مقدمه و بیان مسئله

قرآن کریم معجزه جاویدان دین اسلام و متضمن پیامهای انسان‌ساز و هدایتی فرازمانی و مکانی است. به سبب کتاب‌زندگی بودن، همواره متن قرآن محل دریافت خوانشهای متنوع و مختلف بوده است. اعتبار و اصالت برداشتهای مختلف در گرو منسوب شدن به متن و شارع مقدس است. مفسر قبل از اقدام به دریافت از متن و پرداخت و تدوین تفسیر، پیش‌زمینه‌های متعدد و متنوعی دارد که مبنای پیش‌درآمدهای فهم و برداشت از متن است. یکی از این پیش‌زمینه‌های مبنایی، تأثیر جنسیت مرد و زن در خوانش و برداشت از متن است. این تأثیر در برداشت از متن به صورت ناخودآگاه است؛ به طوری که اگر یک مفسر مرد باشد، ناخودآگاه خوانشی از متن ارائه می‌دهد که به نفع جنسیت مردانه باشد و اگر زن باشد، ناخودآگاه خوانشی ارائه می‌دهد که به نفع جنسیت زن باشد؛ در حالی که سبک قرآن، نگاه فراجنسیتی در آیات است.

از آنجا که خوانشهای مردانه و زنانه به نوعی به شارع و متن مقدس نسبت داده می‌شوند؛ بر این اساس، پژوهش حاضر با ابزار گردآوری اسنادی- کتابخانه‌ای و روش توصیفی- تحلیلی و سطح تحلیل تحلیل محتوا، به دنبال پاسخ به این سؤالات است که آیا امکان برداشت و خوانش مردانه با آیات حوزه زن در طول تاریخ بوده است؟ و مدل مواجهه قرآن با جنسیت زن، متناظر با گفتمان پیش از اسلام، چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤالات، در گام اول به منظور ارزیابی تأثیر جنسیت، به برداشت تفاسیر متقدم، متأخر و معاصر از آیه ۳۴ سوره نساء به عنوان مطالعه موردی پرداخته خواهد شد و در گام دوم برای تحلیل و بررسی خوانش مردانه، مواجهه قرآن با جنسیت زن و هویت‌بخشی و ارتقای شأن در عرصه‌های مختلف بازشناسی می‌شود تا ملاک دقیق برای برداشت از متن در آیات حوزه زنان باشد.

۱. پیشینه پژوهش

در مقاله «خوانشی نو از تأثیر جنسیت بر تفسیر قرآن کریم با بررسی مصداقی دیدگاه آمنه ودود و آیت‌الله جوادی آملی» (شکرپیگی و راجی، ۱۳۹۹)، اندیشه و روش آمنه ودود در تفسیر و تطبیق آرای وی با آیت‌الله جوادی آملی تبیین شده است. در مقاله «مقایسه خوانش زنانه با تفسیر مردانه پیرامون مسئله قوامیت در آیه ۳۴ نساء» (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱) نیز تعبیر «قوامیت» از دو منظر جنسیتی زنانه (ودود، بارلاس و الحبری) و مردانه (علامه طباطبایی، جوادی آملی و مطهری) به سرانجام رسیده است. این پژوهش بر آن است که مفسران شیعی برداشتهای غیر جانبدارانه داشته‌اند و قوامیت، فضیلتی محدود و مشروط به ایفای مسؤولیتهای خانوادگی

ارزیابی تأثیر جنسیت مفسر در برداشت از متن ... ۱۷۳

و اجتماعی در حمایت از حقوق زنان است. پژوهش حاضر، بر تأثیر جنسیت مردانه در برداشت از متن در مطالعه موردی آیه ۳۴ سوره نساء در طول ۱۴ قرن تأمل کرده است و هویت‌سازی قرآن را برای جنسیت زن در عرصه‌های مختلف، به عنوان مبنای نافی خوانش مردانه مد نظر قرار می‌دهد و در نهایت، دلالت فراجنسیتی متناسب با سیاق از آیه ارائه داده و از این منظر، دارای نوآوری است.

۲. مطالعه موردی ارزیابی جنسیت در برداشت از متن

برای ارزیابی تأثیر جنسیت در برداشت از متن، برداشت مفسران قرن دوم تا پانزدهم از تعبیر «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴) در سه گروه متقدمان، متأخران و معاصران بررسی می‌شود.

یک) مفسران متقدم

تفسیر از قرن دوم تا ششم، متقدم در نظر گرفته شده‌اند.

قرن	تفسیر	«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»	«بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»
۲	تفسیر مقاتل	ذکر سبب نزول / مسلطون علی النساء (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۷۰)	فضیلت در حق / مهریه / نبودن قصاص در قتل و جراحت در غیر هم جنس. (همان)
۳	تفسیر قمی	وجوب نفقه بر زنان. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۳۷)	-
۴	احکام القرآن	ذکر سبب نزول / قیامهم علیهن بالتأدیب و التدبیر و الحفظ و الصیانه. (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۳: ۱۴۹)	عقل، رأی، انفاق به زن، برتری منزلت مرد به زن به سبب اقامه به تدبیر و تنبیه، نگه داشتن در

۱. مقاتل ذیل آیه، سبب نزولی بدین بیان گزارش کرده است که سعید بن عمر همسرش حبیبه را به سبب نافرمانی می‌زند. حبیبه جهت شکایت به همراه پدرش خدمت پیامبر (ص) می‌رسند، ایشان حکم تلافی و قصاص از سعید می‌دهند. در زمان برگشتن حبیبه آیه ۳۴ نساء نازل می‌شود و پیامبر (ص) با این بیان که اراده خداوند نافی اراده ما شد، از قصد خود منصرف می‌شود (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۷۰). روایتی از ابوهریره از قول پیامبر (ص) گزارش شده که بهترین زنان کسانی‌اند که اگر به آنها بنگری تو را خشنود می‌کنند و اگر به آنها امر کنی از تو اطاعت می‌کنند و اگر از آنان دورباشی خودش و مالش را برای تو حفظ می‌کنند و سپس آیه ۳۴ نساء را تلاوت کرد (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۳: ۹۴۰). همچنین تفسیر البرهان ذیل آیه روایتی از علی (ع) بدین مضمون گزارش داده است که یک یهودی از برتری مردان بر زنان می‌پرسد و ایشان در پاسخ برتری را تأیید کرده و تشبیه کرده به برتری آسمان بر زمین، برتری آب بر زمین، آب زمین را زنده می‌کند، اگر مردان نبودند خداوند زنان را نمی‌آفرید در ادامه به آیه اشاره می‌کند. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۷۳)

خانه و منع از خروج و اطاعت پذیری. (همان)			
نفقه، زیادت عقل و تدبیر، زیادت قوت و قدرت. (همان)	ذکر سبب نزول / «مسلطون فی امور النساء و تأدیه». (سمرقندی، بی تا، ج ۱: ۳۰۰)	بحر العلوم	۴
عقل و رأی و از قول زهری عدم قصاص مرد برای قتل زن. (همان)	بالتأدیب و التدبیر لهما (طوسی، بی تا، ج ۳: ۱۹۸)	تبیان	۵
عدم قصاص مرد در قتل زن/ ذکر اقوال زیادت عقل، دین، یقین، عبادت، شهادت، جهاد، جمعه و جماعات، نفقه. (همان)	ذکر سبب نزول / مسلطون علی تأدیب النساء. (تعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۳: ۳۰۲)	الکشف و البیان عن تفسیر القرآن	۵
عقل، حزم، جهاد، خطبه، آذان، تعدد همسران و طلاق. (همان)	امر و نهی به زنان مانند امیران بر رعیت خود. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۵۳)	تفسیر جوامع الجامع	۶
عقل، زیادت دین و یقین، شهادت، جهاد، جمعه و جماعات، نفقه، مرد ۴ زن ولی زن ۱ شوهر، طلاق به دست مردان، ارث، دیه، نبوت، امامت، خلافت. (همان، ۳۴۹)	ذکر سبب نزول / «قوام» را «فعال» از «قیام» به معنای صیغه مبالغه. (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۳۴۸)	روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن	۶
عقل، حزم، عزم، قدرت، کتابت، سوراکاری، تیراندازی، علما و انبیا، امامت، جهاد، آذان، خطبه، اعتکاف، شهادت، قصاص، ارث، ولایت در طلاق و نکاح، تعدد همسران، به آنان وابستگی است و آنان صاحب ریش و عمامه‌اند. (همان)	امر و نهی به زنان مانند امیران بر رعیت خود. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۰۵)	الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل	۶
علم، عقل، حسن رأی و عزم. (همان)	قیم بر زنان، مسلط بر زنان در تدبیر، تأدیب، ریاضت و تعلیم. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۶۹)	مجمع البیان فی تفسیر القرآن	۶

ارزیابی تأثیر جنسیت مفسر در برداشت از متن ... ۱۷۵

زیادت عقل، دین، ولایت، شهادت، جهاد، عبادات جمعه و جماعات، تعدد همسران، ارث، حق طلاق، نبوت و دیه. (همان: ۶۱۱)	ذکر سبب نزول/ تسلط مردان در تأدیب و تدبیر. (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۶۱۰)	معالم التنزیل فی تفسیر القرآن	۶
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------	-------------------------------	---

در تفاسیر متقدم، مفهوم قائمیت بیشتر در معنای تسلط مردان بر زنان ذکر شده است. از قرن چهارم، معنای قیام برای تأدیب و حفظ زن برجسته می‌شود که این نکته متأثر از محیط و گفتار مردسالارانه و ضد زن است. در قرن ششم، معنای امر و نهی بر زنان مانند امر و نهی حاکمان بر رعیت خود دیده می‌شود. در وجه برتری مردان بر زنان، اقوال تفسیری قرن دوم، بیشتر متأثر از روایت سبب نزول برتری را در حق و نبودن قصاص در قتل و جراحت در غیر همجنس ذکر شده و از قرن چهارم، ملاکهای برتری در عقل، رأی، انفاق، اطاعت‌پذیری، حبس در منزل، قدرت، حزم، جهاد، خطبه، آذان، تعدد همسران، دین، شهادت، دیه، نبوت، امامت، ولایت در طلاق و نکاح، علم و ریش و عمامه و ... گزارش شده است. اقوال فوق به وضوح بیانگر خروج از دلالت سیاقی آیه و مقایسه صرف زن و مرد و تأثیر جنسیت در برداشت و در نتیجه خوانش مردانه از متن است.

دو) مفسران متأخر

در این بخش، تفاسیر از قرن ۷ تا ۱۳ بررسی می‌شوند.

قرن	تفسیر	«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»	«بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»
۷	الجامع لأحكام القرآن	اقامه نفقه به زنان و دفاع از آنان، همچنین در میان مردان حاکمان و امیران بر خلاف زنان/ ذکر سبب نزول. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۶۸)	ارث، مهریه و نفقه و اضافه کرده فایده این برتری به زنان برمی‌گردد. همچنین از قول دیگران، زیادت عقل، تدبیر، قدرت را گزارش کرده است. (همان، ۱۶۹)
۸	أنوار التنزیل و أسرار التأویل	مردان مانند قیام اربابان بر رعیتشان به دلایل بخشش و کسب درآمد مردان قیام می‌کنند. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۷۳)	کمال عقل، حسن تدبیر، زیادت قدرت در اعمال و طاعات، نبوت، امامت، ولایت، اقامه شعائر دینی، شهادت، وجوب جهاد و جمعه، زیادت ارث. (همان)
۸	البحر المحیط فی التفسیر	ذکر سبب نزول/ جنس مرد بر جنس زن قوام دارد و از قول	جمعه و جماعات، نفقه، تجارت، تصرف، جنگ، کمال دین و

<p>عقل، رأی، تعدد همسران، ولایت در ازدواج و طلاق، کامل بودن عبادات، شهادت، ارث، دیه، نبوت، خلافت، امامت، خطبه، جهاد، تیراندازی، آذان، اعتکاف، انتساب فرزندان، ریش، باز بودن صورت، داشتن عمامه که تاج عرب است، به رختخواب خواندن، کتابت و آمیزش با کنیز. (همان: ۶۲۳)</p>	<p>ابن عباس؛ مردان در حق تأدیب زنان تسلط دارند و شاهد این قول این است که اطاعت زنان از مردان در معنای اطاعت از خداست. (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۶۲۲)</p>		
<p>به کمال عقل، حلم، علم، حدس، فهم درست، جهاد، کمال روزه و نماز، جمعه و جماعات، آذان، اعتکاف، خطبه، نماز عیدین، نماز میت، شهادت، قصاص، ارث، امامت و نبوت. (همان)</p>	<p>ذکر سبب نزول / مردان کارگزاران تسلط یافته به زنان و قائم به امور معیشت زنان. (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۷۷)</p>	<p>مواهب علیّه</p>	<p>۹</p>
<p>به کمال عقل، علم، حسن تدبیر، زیادت قدرت در اعمال و عبادات، زیادی فهم و حدس، جهاد و کمال روزه، نماز جمعه، نماز عیدین، قضا، شهادت، ارث، قصاص، نبوت و امامت. (همان)</p>	<p>ذکر سبب نزول / مردان کارگزاران زنان‌اند و قیام به معاش ایشان مانند قیام ارباب بر رعیت می‌کنند و در چرایی این امر به بخشش و کسب درآمد اشاره کرده است. (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۳: ۱۹)</p>	<p>منهج الصادقین فی إلزام المخالفین</p>	<p>۱۰</p>
<p>کمال عقل، حزم، حسن تدبیر، زیادت قدرت در اعمال و طاعات، نبوت، امامت، ولایت، آذان، جهاد، جمعه، ارث، تعدد زوجات. (همان)</p>	<p>امر و نهی و تدبیر و تأدیب زنان. (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۲: ۵۹)</p>	<p>زبده التفاسیر</p>	<p>۱۰</p>
<p>زیادت قوت در اعمال و طاعات اشاره کرده است. در ادامه به روایت برتری مردان در زنان فوق‌الذکر در البرهان اشاره می‌کند. (همان)</p>	<p>يقومون عليهن قيام الولاية علي الرعية. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۴۸)</p>	<p>الصافی</p>	<p>۱۱</p>

ارزیابی تأثیر جنسیت مفسر در برداشت از متن ... ۱۷۷

<p>قوت بدن و کمال عقل و حسن تدبیر و اختصاص نبوت و امامت و ولایت و اقامت شاعر اسلام و جهاد و زیادتی نصیب در میراث. (همان)</p>	<p>ذکر سبب نزول / مردان والیان و غالبانند بر زنان خود که تا آن زنان را تادیب کنند. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴۶۹-۴۷۰)</p>	<p>تفسیر شریف لاهیجی</p>	<p>۱۱</p>
<p>حزم، عزم، قدرت، فتوت، تیراندازی، حماسه، خطبه، کتابت و .. اشاره کرده است. (همان: ۲۰۲)</p>	<p>قائم به امر به معروف و نهی از منکر زنان مانند قیام اربابان بر رعیتشان و مسلط در تادیب زنان و علت این امر را در بخشش و کسب مردان دانسته است. (حقی بروسوی، بی تا، ج ۲: ۲۰۱)</p>	<p>روح البیان</p>	<p>۱۲</p>
<p>کمال العقل و حسن التدبیر و زیادت قوت در اعمال و طاعات، اختصاص مردان به نبوت، امامت، اقامه شعائر، شهادت، جهاد، جمعه و زیادت ارث. (همان)</p>	<p>مردان بر زنان اقامه می کنند مانند قیام اربابان بر رعیتشان و مسلط در تادیب زنان و علت این امر را در بخشش و کسب مردان دانسته است. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۹۶)</p>	<p>کنز الدقائق و بحر الغرائب</p>	<p>۱۲</p>
<p>کمال العقل و حسن التدبیر و زیادت قوت در اعمال و طاعات، اختصاص مردان به نبوت، امامت، اقامه شعائر، شهادت، جهاد، جمعه و زیادت ارث، استبداد در طلاق. (همان)</p>	<p>مردان بر زنان اقامه می کنند مانند قیام اربابان بر رعیتشان، در تادیب، انفاق و تعلیم و علت این امر را در بخشش و کسب مردان دانسته است. (ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۹۹)</p>	<p>البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید</p>	<p>۱۳</p>
<p>مانند برتری آب بر زمین اشاره کرده و اضافه می کند اگر مردان نبودند، زنان خلق نمی شدند. (همان)</p>	<p>مردان در تدبیر و سیاست بر زنان قیّم و مسلط هستند. (شیر، ۱۴۱۲: ۱۱۴)</p>	<p>تفسیر القرآن الکریم</p>	<p>۱۳</p>
<p>در اصل خلقت به کمال عقل، حسن تدبیر، علم، جسم، زیادت قوت در اعمال، علو استعداد، اختصاص مردان به نبوت، امامت، ولایت، قضاوت، شهادت، قصاص، وجوب جهاد، جمعه، عیدین، اذان، خطبه، جماعت،</p>	<p>ذکر سبب نزول / مردان بر زنان اقامه می کنند مانند قیام اربابان بر رعیتشان، در تادیب، تدبیر، تعلیم و علت این امر را در بخشش و کسب مردان دانسته است. (مظهری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲، قسم ۲، ۹۸)</p>	<p>التفسیر المظهری</p>	<p>۱۳</p>

زیادت سهم الارث، مالکیت در ازدواج و طلاق، تعدد زوجات و ... (همان: ۹۹)			
-----------------------------------------------------------------------	--	--	--

در تفاسیر متأخر از قرن هفتم، حول مفهوم قائمیت - ضمن گزارش سبب نزول - به قیام برای نفقه زن، دفاع از او و همچنین همانندی به قیام اربابان بر رعیت‌شان اشاره شده است. در قرن هشتم، اقوال ذکر شده به نقل از ابن عباس، تسلط بر زنان را در حق تأدیب و تدبیر بیان می‌کنند. در قرن نهم، با تکیه بر سیاق، مقوله انفاق به زن برجسته می‌شود و از قرن ۱۰ تا ۱۳، همچنان معنای امر و نهی به زن و تأدیب او به چشم می‌خورد که بیانگر وجود گفتمان مردسالارانه در بازه زمانی مذکور است.

در وجه برتری مردان بر زنان، تمامی ملاکهای ذکر شده در تفاسیر متقدم، به شکل تکمیل یافته و افزودن ملاکهای جدید در همان راستا گزارش می‌شود که ملاکهای مذکور نیز به وضوح بیانگر خروج از دلالت سیاقی آیه و مقایسه صرف زن و مرد و تأثیر جنسیت در برداشت و در نتیجه خوانش مردانه از متن است.

سه) مفسران معاصر

در این بخش، تفاسیر قرن ۱۴ و ۱۵ بررسی می‌شود.

قرن	تفسیر	«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»	«بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»
۱۴	انوار درخشان	وظایف مردان به طور کلی از لحاظ مصالح اجتماع زیاده است؛ زیرا بیشتر ثروت و نیروی اقتصاد را در اختیار دارند و با به کار بردن حرفه و قدرت اختراع و تولید ثروت به حکم فطرت تأمین احتیاجات عمومی به عهده آنان نهاده شده است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۵۲)	پروردگار نوع مردان را از لحاظ موهبت آفرینش برتری داده و نیروی تعقل و تدبیر را به آنان زیاده بر نوع بانوان ارزانی فرموده است؛ یعنی مردان چه از لحاظ نیروی عاقله و چه از نظر قوای جسمانی از بانوان نیرومندترند. (همان)
۱۴	معزن العرفان در تفسیر قرآن	قیم کسی است که مهم کس دیگر را انجام دهد. (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۴: ۶۳)	برتری طبیعت مرد بر زن اشاره می‌کند با این بیان که در تدبیر و هم در نیرومندی و تحمل شداوند مردها بر اغلب زنها فزونی دارند و چنانچه دانشمندان گفته‌اند و نیز به تجربه معلوم شده زندگانی زنها احساسی و عاطفی است و بر

ارزیابی تأثیر جنسیت مفسر در برداشت از متن ... ۱۷۹

<p>نازک کاری و ظرافت تکیه دارد و همچنین به سبب پرداخت نفقه. (همان)</p>			
<p>زیادتهایی است که خدای تعالی به مردان داده، به حسب طاقتی که بر اعمال دشوار و امثال آن دارند، چون زندگی زنان یک زندگی احساسی و عاطفی است، که اساس و سرمایه اش رقت و لطافت است. (همان)</p>	<p>کلمه قِیم به معنای آن کسی است که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است و کلمه قوام و نیز قیام، مبالغه در همین قیام است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۴۳)</p>	<p>المیزان فی تفسیر القرآن</p>	<p>۱۴</p>
<p>مردان از حیث تفکر و تعقل و اداره امور و تحمل مشقات بر زنان برتری دارند چنان که زنان از حیث عاطفه و ترحم بر مردان برتری دارند، این امر ایجاب می کند که مردان سرپرست خانواده باشند نه زنان. اگر زن سرپرست خانواده و مرد تابع تدبیر او باشد بر خلاف طبیعت هر دو خواهد بود، این دلیل، دلیل طبیعی است و دیگری نفقه. (همان: ۳۵۵)</p>	<p>سرپرستی خانواده. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۵۴)</p>	<p>أحسن الحدیث</p>	<p>۱۵</p>
<p>هر کدام از اینها را فزونی مخصوصی به اقتضای وظایف او داده است و این فزونی در هر دو موجود است. ایشان به تفاوت های زن و مرد از نظر تحمل شدائد و سختی و ظرافت خلقت اشاره کرده است. (همان: ۳۶۱-۳۶۰)</p>	<p>قیام کننده کامل به امور و اعمال و تدبیر و تنظیم کننده زندگی است و این کلمه تنها به موضوع قیام کردن به امور دیگران دلالت کرده، و جهات دیگر مانند برتری و بلندی مقام و مرتبه و حاکمیت و تسلط و نفوذ دلالت نمی کند. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۳۶۰)</p>	<p>تفسیر روشن</p>	<p>۱۵</p>
<p>وجود خصوصیتی در مرد مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات (به عکس زن که از نیروی سرشار عواطف بیشتری بهره مند است) و دیگری</p>	<p>سرپرست و خدمتگزار زنان. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۷۰)</p>	<p>نمونه</p>	<p>۱۵</p>

داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر. (همان: ۳۷۱)			
-----------------------------------------------	--	--	--

در تفاسیر دوره معاصر، دیدگاهها به طور محسوسی تعدیل شده که بیانگر اصلاح نگرش به جنسیت زن و گفتمان موجود در دوران معاصر است که هیچ برتری جنسیتی زن و مرد را بر نمی‌تابد. مفهوم قائمیت در این دوره در معنای سرپرستی و مسئول امور معیشت خانواده به کار رفته است. اوج نگاه عدم تأثیر خوانش جنسیتی در قرن ۱۵ و تفسیر معاصر نمونه دیده می‌شود که معنای سرپرست و خدمتگزار زنان بیان شده است. در دوره معاصر، تفاوت‌های جنسیتی جای برتری جنسیتی را گرفته و اقوالی چون عقلانیت مردان و قوت احساسات در زنان، قدرت بدنی مردان و ظرافت خلقت زنان مد نظر بوده و همه ملاکها بر اساس وظایف مخصوص به هر کدام از مرد و زن بدون هیچ برتری است؛ بنابر این، در دوران معاصر، خوانش مردانه از متن به سبب تعدیل گفتمان دوره و بوم مفسران زایل شده است.

ب) تحلیل و بررسی

مرور تفاسیر از از دوره متقدم تا معاصر نشان می‌دهد جنسیت مفسر به طور غیر مستقیم در برداشت از متن در نمونه موردی آیه ۳۴ سوره نساء تأثیر گذاشته و باعث خوانش مردانه در برتری مردان بر زنان شده است. این مفسران برتری را در زیادت عقل، دین، قدرت، علم، عدم قصاص مرد در قتل زن، جهاد، جمعه و جماعات، اذان، تعدد زوجات، ازدواج با کنیز و ... دانسته‌اند. ولی در دوران معاصر، برتری جای خود را به تفاوت‌های جنسیتی بدون ملاک برتری داده است. بررسی تفاسیر نشان می‌دهد با گذر زمان و تعدیل گفتمانهای زمان حول محور زن، خوانشهای برتری جنسیتی تعدیل شده است. تفسیر آیات مربوط به زنان، باید با نظر داشت سبک قرآن در مواجهه با جنسیت مذکور باشد. توجه به مباحث ذیل، روش قرآن را در مواجهه با جنسیت زن نشان داده و نافی خوانشهای جنسیتی است که در طول زمان اتفاق می‌افتد.

۱. شأن پایین جنسیت زن در جاهلیت و مبارزه قرآن با گفتمان موجود

نزول قرآن کریم زمانی آغاز شد که جنسیت زن در گفتمان زمانه در سطح پایین قرار داشت؛ به طوری که تولد فرزند دختر، مساوی با عصبانیت و ننگ بودن برای پدر بود. در آن بافت وقتی به یکی از آنان مژده دختردار شدن می‌دادند، از شدت عصبانیت چهره‌اش سیاه می‌شد و به سبب این مسئله از قبیله خود دوری می‌کرد و فقط دو راه را در جلوی خود می‌دید؛ با خفت دختر را نگه دارد یا در زیر خاک پنهان کند (نحل: ۵۹-۵۸). این آیه تصویر بسیار

وحشتناک و سیاه از نگاه به جنسیت زن در جاهلیت دارد و با توجه به اینکه در سوره مکی قرار گرفته (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۲: ۴۴۳؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲: ۲۶۵)، بیانگر تفکر غلط اعراب نسبت به شأن پایین زنان است. در سوره تکویر نیز که مکی است (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۱۰: طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۴۴۷)، انتخاب دوم پدران چنین بیان می شود: از آن دختران کوچک زنده به گور شده سؤال می شود که به کدامین گناه کشته شده اند (تکویر: ۹-۸). این سؤال مستقیم از دختران، برای شکنجه روحی بیشتر پدران است. به علاوه، لحن و بافت و سیاق سوره کوثر نیز که مکی است (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۳۰۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۸۰۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۳۶۹)، نشانگر نوع نگاه آن زمانی به جنسیت مرد و زن است و شأن بالای مرد را نسبت به زن در گفتمان موجود تصویر می کند؛ چون تنها پسر پیامبر (ص) که فوت شد، شخصی به نام عاص بن وائل سهمی، ایشان را «ابتر» و مقطوع النسل صدا زد و موجب ناراحتی ایشان شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۸۳۶). خداوند با فرستادن این سوره به پیامبر (ص) با سبک گفتگوی دو نفره - متکلم خداوند با تعبیر «ما» و مخاطب تنها پیامبر (ص) با تعبیر «ک» - لطف ویژه و تسلی به فرستاده اش را در برابر گفتمان موجود نشان داد. مفاد سوره کوثر، به زن جایگاه داد و باعث ارتقای شأن او شد: ما به تو دختری (حضرت فاطمه) دادیم (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۳۷۱) که بالاتر از همه پسر هاست (کوثر: ۱). متناسب با لحن و بافت، اینگونه معنا می شود که به سبب تولد این دختر، نماز شکر بخوان؛ اگر در این گفتمان، برای فرزند پسر گوسفند عقیقه می کنند، تو برای این فرزند باید بهترین سرمایه ات و شتر را قربانی کنی (کوثر: ۲). گفتنی است که در شبه جزیره عربستان برای فرزند پسر عقیقه می کردند؛ به گونه ای که برای تولد پیامبر (ص) به واسطه ابوطالب (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۳۴) و برای تولد حضرت علی (ع)، عمل عقیقه گزارش شده است. (قدوزی حنفی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۰۵-۳۰۶)

بر این اساس، گفتمان شناسی سوره کوثر نشان می دهد که مردم شبه جزیره با عقیقه کردن آشنا بودند و دستور نحر شتر به رسول (ص) در ولادت حضرت فاطمه (س) می تواند معنای عقیقه داشته باشد (مصطفائی، ۱۳۹۹: ۹۱) و در ادامه که سیاق یکپارچه بوده، وضعیت و عاقبت کسی را که زخم زبان زده، ترسیم می کند. (کوثر: ۳)

۲. سبک قرآن در بیان جنسیت؛ قرآن و نگاه فراجنسیتی

سبک بیان قرآن، نگاه فراجنسیتی به انسان است؛ قرآن نظام ارزش دهی، ارزش گذاری و برتری گفتمان موجود را زیر سؤال برده و گفتمان جدیدی با مبنای «گرامی ترین انسان در پیشگاه خداوند، با تقواترین انسان است»، بدون توجه به طایفه و قبیله و زن و مرد (حجرات: ۱۳)، بنیان

می‌نهد؛ با این منطق که انسانها از یک پدر و مادر به وجود آمده‌اند، مساوی‌اند و هیچ برتری به هم ندارند(نساء: ۱). (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۱۳۷؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۲۲؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۲۸۲)

توجه به گفتمان فرهنگی پیش از نزول، باعث فهم دلالت برخی آیات در مبارزه با جنسیت پایین زن و تثبیت موقعیت و هویت آنان می‌شود. گفتمان موجود در محیط عربستان، با انسال و تعصب متناظر بود و بر این اساس، جنسیت مرد، ارزش و منزلت بالایی داشت. دلیل این امر، کارکرد مرد در حفاظت، تداوم نسل و وجود مؤثر مردان در جنگ و شکار بوده است(سالم، ۱۳۹۱: ۳۵۱-۳۵۰). در این گفتمان، زنان انسانهایی درجه دوم با مؤلفه‌هایی چون: ناتوان، مکار، حيله‌گر، عدم صلاحیت برای مشاور بودن و تنها فایده‌شان تکثیر قبیله بود(جعفرنیا، ۱۳۹۳: ۸۶). مردان نیز هیچ محدودیتی از جمله شکنجه کردن، فروختن، کشتن و ازدواج‌های بی‌قید و شرط در مواجهه با زنان نداشتند(سالم، ۱۳۹۱: ۳۵۶-۳۵۳؛ نصیری و زارعکار، ۱۳۹۶: ۲۱۴-۱۹۷). شأن پایین زن و عدم هویت آن در گفتمان آن زمانی، به گونه‌ای بود که بد بودن و بی‌ارزش بودن آن ضرب‌المثل شده بود و حتی در توهین به مرد سست‌رأی، او را به زن تشبیه می‌کردند و همچنین زنان را به مار مثل می‌زدند(الهوئی نظری، ۱۳۸۳: ۴۵). مقارن با بعثت و نزول آیات، دانایی و تفکر درباره زنان به طور کامل از بین نرفته بود و قرآن و سنت، مبارزه‌ای جدی برای از بین بردن گفتمان موجود در پیش گرفت. اما همچنان برخی با ذهنیت جاهلی، از جسور شدن زنان و کسب اجازه از پیامبر(ص) برای تنبیه آنان سخن داشتند.(بخاری، ۱۴۱۰، ج ۶: ۱۴۸؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۸: ۱۶۵-۱۶۴)

متناظر با چنین تفکر و گفتمانی، خداوند با ذکر لفظ زن در کنار مرد، در منظومه اسلامی برای آنان هویت و موجودیت ترسیم می‌کند؛ آن هم در گفتمانی که نه تنها اعمال زنان دیده نمی‌شد، بلکه موجودیت‌شان هم زیر سؤال بود. خداوند می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»(نحل: ۹۷)؛ خداوند شرط قبولی عمل را ایمان ذکر کرده(سمرقندی، بی‌تا، ۲: ۲۹۰) و انجام عمل با ایمان را به صورت مطلق برای مرد و زن بیان کرده و نتیجه عمل را از نظر جنسیت، مساوی دانسته است(طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۴۲۴). با توجه به گفتمانی که فقط مرد و عمل او دیده می‌شد، آیه مذکور به همراه آیه ۴۰ سوره غافر،^۱ گفتمان تأسیسی دارد؛ با این توضیح که «حیات طیبه» و «پاداش بهتر از عملشان» سهم هر دو جنس بوده است. لحن و سیاق آیه، بدون تبعیض بین زنان و

۱. «مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ».(غافر: ۴۰)

مردان، متضمن وعدهٔ جمیل است و این تساوی میان زن و مرد، بر خلاف گفتمانی است که اعراب جاهلی و یهودیان و مسیحیان داشته‌اند؛ در این گفتمانها جنسیت زن از همه یا اغلب مزایای دینی، محروم و شأن او در منظومهٔ مادی و معنوی پایین‌تر از شأن مرد بود و شرایطی را به وجود آورده بودند که قابل ارتقا نبود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۳۴۱). همان‌طور که سبب نزول آیه، مؤید چنین گفتمانی است. (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۶۴)

یک) هویت‌سازی برای جنسیت زن در منظومهٔ دینی

در گفتمانی که زن و عمل زن نادیده گرفته می‌شد، خداوند با برنامه‌ای دقیق و منظم، شأن زن را ارتقا داده است. در سیاق اول سورهٔ احزاب پس از ذکر گفتمان جاهلی طلاق ظهار و فرزندخواندگی، هر دو را زیر سؤال برده و ابطال می‌کند (احزاب: ۴-۵). توضیح آنکه، شأن و حق زنان در گفتمان جاهلی نادیده گرفته می‌شد؛ به طوری که کل آینده و زندگی مشترک و خوشبختی یک زن صرفاً با گفتن یک جمله نابود می‌شد. خداوند با آیات مذکور، این نوع طلاق را باطل کرد و باعث ارتقای شأن آنان در این مقوله شد. در ادامه، سخن از نزدیکی و سزاوار بودن پیامبر (ص) به مؤمنان از خودشان و همچنین رعایت حرمت همسران پیامبر (ص) با تعبیر «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (احزاب: ۶) است. در گفتمانی که زنان شهروند درجه دوم بودند، خداوند عده‌ای از زنان را به عنوان زنان الگو و شاخص واجب‌الاحترام می‌داند و بر اساس نظم و چینش، نخست حق زنان عادی را در طلاق ظهار به آنها برمی‌گرداند و سپس تعدادی از زنان خاص بر خلاف گفتمان موجود مورد احترام می‌شوند. در ادامه گزارش می‌شود که دین اسلام، چکیدهٔ تمام ادیان قبلی الهی و آموزه‌های انبیای قبلی است (احزاب: ۸-۷). سپس محتوای سوره با تعبیر و وظایف مؤمنان و همراهی با پیامبر (ص) در جهاد با دشمنان، با مطالعهٔ موردی جنگ احزاب و مواجههٔ گروه‌های مختلف در این جنگ ادامه می‌یابد (احزاب: ۲۷-۹). سیر خطی انسجام بستهٔ سیاقی مذکور با آیات قبلی، «اسوةٔ حسنه» بودن پیامبر (ص) برای مؤمنان است (احزاب: ۲۱). در ادامهٔ سیاق، به سیر منظم حول محور زن و ارتقای شأن او برمی‌گردد و به طور اختصاصی وظایف همسران پیامبر (ص) را ذکر می‌کند و وظایف سنگین آنان را در جامعهٔ دینی و همچنین پاداش دو برابر و عذاب دو برابر، بر خلاف دیگر زنان طرح می‌شود (احزاب: ۳۴-۲۸). در تعلیل ذکر این وظایف باید گفت پس از آنکه خداوند بعد از برگرداندن حق زنان عادی، و جوب احترام زنان شاخص را (بر خلاف گفتمان موجود) برای گفتمان‌سازی شأن بالای زنان تأسیس کرد، به سبب زندگی قبیله‌ای و تعصبات طایفه‌ای، مردم شبه جزیرهٔ عربستان برای پیشبرد زندگی، الگوها یا به تعبیر قرآن «ملاً»هایی (هود: ۳۸؛ مؤمنون:

۲۳-۲۴) داشتند. پیامبر(ص) و همسران ایشان نیز الگوهای مجتمع دینی بودند؛ بنابراین، وظایف همسران برای حفظ جایگاه الگو طرح شده است.

در نهایت خداوند بعد از ذکر وظایف زنان الگو، به طور عام برای همه زنان در منظومه دینی هویت‌سازی کرده و در تک‌تک مؤلفه‌های دینی، زنان را در کنار مردان ذکر کرده است. با این بیان، به ترتیب سیر خطی مفهومی، بعد از دادن شأن و منزلت به زن، در مؤلفه‌های دینی هم زنان هم‌رتبه مردان آمده‌اند. احتمال دارد یکی از دلایل ذکر زنان در کنار مردان در آیه ۳۵ سوره احزاب، به منظور جلوگیری از بدفهمی و سوء استفاده مردان مخاطبان نزول و نادیده گرفتن جنسیت زن در منظومه دینی باشد؛ به همین سبب می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۳۵). در سبب نزول آیه چنین گزارش شده که زنان از عدم ذکر خود همانند مردان گله داشتند و ناراحت بودند، که آیه شریفه نازل شد (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۴۸۹؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۳: ۶۱؛ ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹: ۳۱۳۳). همچنین از قول قتاده گزارش شده است که بعد از نزول آیات درباره وظایف همسران پیامبر(ص)، زنان مسلمان احساس رتبه و شأن پایین در مقابل زنان پیامبر(ص) کردند و در تعلیل عدم ذکر خود، نداشتن خیر را متذکر شدند که در پاسخ به سؤال و ابهام ذهنی‌شان، این آیه نازل شد (سمرقندی، بی‌تا، ج ۳: ۶۱؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۸: ۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۱۵). باید توجه داشت که سبب نزول‌هایی هم که ذکر شده، مؤید دانایی مذکور است. به همین سبب، برخی آیه شریفه را نوعی دفع دخل دانسته‌اند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۳۵۶). بنابراین، در قرآن، بین کرامت و حرمت انسانی در منظومه دینی و معنوی هیچ فرقی بین زن و مرد نگذاشته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۳۱۳). در ادامه، خداوند زمینه نادیده گرفتن حقوق جنسیت زن را با این تعبیر که هیچ مرد و زنی نباید در دستورات خدا و رسولش نافرمانی کند (احزاب: ۳۶)، زیر سؤال می‌برد.

دو) هویت‌سازی برای جنسیت زن در زندگی زناشویی

باید توجه داشت که در گفتمان پیش از اسلام، زن در خدمت مرد و برای رفع نیازهای او بود و اصلاً هویت او و نیازهای او در نظر گرفته نمی‌شد (سالم، ۱۳۹۱: ۳۵۶-۳۵۳) و تنها کاربرد و خاصیت او، تکثیر نسل طایفه و قبیله بود. زنان تنها از طریق ازدواج، دارای هویت می‌شدند که در آن ازدواج، انتخاب همسر و طلاق و رها کردن به دستان مردان اتفاق می‌افتاد (جعفری‌نیا،

۱۳۹۳: ۸۶). خداوند همچنان که برای جنسیت زن در منظومه دینی هویت‌سازی کرد، در زندگی زناشویی و مشترک نیز به اندازه مرد برای او هویت‌سازی کرد. خداوند در خصوص رابطه زن و مرد، از تعبیر «لباس» استفاده کرده است: «...هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷)؛ زنان، لباس برای شما مردان و شما مردان، لباس برای زنان.

«هُنَّ» ← «لِبَاسٌ» ← «لَ» ← «كُمْ»
 «أَنْتُمْ» ← «لِبَاسٌ» ← «لَ» ← «لَهُنَّ»

تعبیر مذکور؛ یعنی گفتمان‌سازی بر خلاف گفتمان موجود، همان‌گونه که زنان لباس برای شما هستند، شما نیز لباس برای آنان هستید. در گفتمان پیشین، زن، احساس زن، نیاز زن و آرامش او نادیده گرفته می‌شد؛ ولی مطابق آیه شریفه، دارای سهم جنسیتی مساوی از کارکرد و لوازم و نتایج روابط زوجینی شده‌اند. درباره تعبیر لباس در برداشت و فهم قرن سوم، تعبیر فراش مرد، لباس مرد و شلوار مرد برای زن به کار رفته است (ابوعبیده، ۱۳۸۱، ج ۱: ۶۷). این قول، نشان‌دهنده تأثیر جنسیت مرد در برداشت است که بر خلاف دلالت آیه بوده و به سبب نادیده گرفتن زن است. برخی دیگر نوشته‌اند: یعنی زنان پوشش برای شما و شما پوشش برای آنان در مقابل آتش جهنم‌اید (سمرقندی، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۴؛ سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶۴). استعاره گرفتن لباس، قول دیگری است؛ با این بیان که مراد از آن، نزدیکی و اشتغال برخی بر برخی دیگر است؛ همان‌طور که لباس جسم را در برمی‌گیرد (سیدرضی، بی‌تا: ۱۱۹؛ ابن جزی غرناطی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۱۱). برخی دیگر آیه را کنایه از بی‌جامه بودن زن و شوهر در زمان رسیدن به هم دانسته‌اند (رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۵۰۴؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۵۸). این نکته نیز قابل تأمل است که آیه شریفه، بلوغ و تکامل ارتباط زنان و مردان را با همدیگر و قرابت و برابری آنان را در مقوله زناشویی اثبات می‌کند؛ چون تعبیر یکسان درباره هر دو جنسیت صدق می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۵۰)

باید توجه داشت که بر اساس سیاق و دانی، تعبیر لباس بیانگر آرامش است و مراد از آیه این است که شما با زنان به آرامش می‌رسید و زنان با شما. در این تعبیر، هر دو جنسیت، متناظر با فلسفه و کارکرد ازدواج در نظر گرفته می‌شود، همان‌طور که این قول را برخی متذکر شده‌اند (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۱۶۴؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۴؛ ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱: ۳۱۶؛ نعلی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۲: ۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۰۴). مؤید تعبیر آرامش به «لباس»، آیه «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا» (نبأ: ۱۰) است که در آن، لباس در معنای آرامش است (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۵۹؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۳: ۵۳۷؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۴). چنانکه که آیه متحده‌المضمون دیگر، یکی از کارکردهای

ازدواج را وصول به آرامش می‌داند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا». (اعراف: ۱۸۹)

سه) هویت‌سازی برای جنسیت زن در منظومه اقتصادی

زنان در پیش از اسلام در منظومه اقتصادی هیچ هویتی نداشتند؛ به طوری که نه تنها هیچ حقی از سهم الارث نمی‌بردند، بلکه شأن و هویتشان به عنوان کالا و سهم الارث در میان وارثان بود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۰۶). زنان در جاهلیت هیچ استقلال مالی و درآمدی نداشتند (جوادعلی، ۱۹۷۶، ج ۵: ۶۱۶). با نزول قرآن، به جنسیت زن در منظومه اقتصادی هویت بخشی شد؛ در سهم الارث بر خلاف گفتمان پیشین سهم شدند (نساء: ۷) و کسب و درآمد و استقلال مالی شان به رسمیت شناخته شد (نساء: ۳۲). همچنین با مؤلفه‌هایی چون وجوب پرداخت مهریه (نساء: ۴)، پرداخت نفقه (نساء: ۳۴) و پرداخت عوض شیر دادن (طلاق: ۶)، از جنسیت زن برای هویت داشتن در منظومه اقتصادی حمایت کرد.

چهار) هویت بخشی برای جنسیت زن در عرصه سیاسی

زن در عرصه سیاسی پیش از اسلام شبه جزیره عربستان هیچ جایگاهی نداشت. بیعت در حاکمیت سیاسی بیشتر به شکل بیعت رئیس قبیله با حاکم بوده است. تعصب به منزله روح قبیله بود و نشان می‌داد که فرد نسبت به افراد قبیله خود، بی قید و شرط دل بستگی دارد و این حالت چنان قوی بود که قبیله حق داشت حتی از افراد درخواست کند تا از همسران خود دوری کنند. نماینده و رئیس قبیله را «شیخ» می‌گفتند. شیخ اغلب کهنسال ترین افراد قبیله بود و پیشوایی را در نتیجه نیک اندیشی، جوانمردی و شجاعت به دست می‌آورد (حتی، ۱۳۸۰: ۳۹-۳۸). زندگی مردم شبه جزیره عربستان بر پایه ملوک الطوائفی بوده است و به سبب وضعیت زندگی شان، در میان اعراب، فرمانروایان و امیران متعددی وجود داشت (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۸۷). همچنین منطبق مدیریت و اختصاص قدرت درون قریش، متکی بر اتحاد میان طایفه‌های مختلف با هدف تولید نظمی متوجه تجارت بود. (مبغنی، ۱۳۹۹: ۱۲)

قرآن کریم، اولین حضور زن در عرصه‌های سیاسی تحت حاکمیت دینی را در جامعه عصر رسالت پیامبر (ص) بیان می‌کند. در سوره ممتحنه، تصویری ارائه می‌شود که زنان دسته‌دسته برای بیعت به خدمت پیامبر (ص) می‌رسیدند (ممتحنه: ۱۲) و در عرصه سیاسی دارای نقش شده بودند. سوره ممتحنه، مدنی است (سمرقندی، بی تا، ج ۳: ۳۴۳؛ طوسی، بی تا، ج ۹: ۵۷۵؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۹۰). این سوره مصادف با فتح مکه و شکل‌گیری حاکمیت قدرتمند اسلام در شبه جزیره عربستان است و پیش‌زمینه این تأسیس، قطع رابطه دوستی با دشمنان اسلام

است که کل محتوای سوره حول محور این غرض است. در این سوره از زنان کافر تازه مسلمان شده تعهداتی چون تعهد اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی اخذ می‌شود (ممتحنه: ۱۲). گفتنی است بیعت با زنان در روز فتح مکه، بعد از بیعت با مردان در کوه صفا اتفاق افتاد (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۴: ۳۰۶؛ ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰: ۳۳۵۰؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۹۷). این بیعت در جریان فتح مکه و با حضور وسیع زنان صورت گرفت (ابن شعبه الحرانی، ۱۴۲۵: ۳۲۷). در بیعت عقبه ثانی پیامبر (ص)، ۷۵ نفر از مسلمانان آمادگی خود را برای اطاعت از پیامبر (ص) اعلام کردند و در این بیعت نیز چند زن به نامهای نصیبه دختر حارث انصاری و خواهرش ام منیع، اسماء دختر عمرو بن عدی و نصیبه دختر کعب از بنی خزرج حضور داشتند (جعفریان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۸۶). در بیعت رضوان نیز نام سه نفر از زنان در منابع تاریخی ذکر شده است: ربیع بنت معوذ، ابن هشام انصاریه و نصیبه دختر حارث (حسون و مشکور، ۱۴۲۱: ۶۲۴). در توصیف این بیعت که در جریان صلح حدیبیه واقع شد، گفته شده حضرت علی (ع) عهده‌دار اجرای این بیعت بودند؛ به این صورت که لباسی را پهن کردند و زنان به عنوان بیعت بر آن لباس دست می‌کشیدند و سپس پیامبر (ص) بر آن لباس دست می‌کشیدند و بدینسان بیعت واقع شد (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹: ۱۶۹؛ مفید، ۱۳۸۸: ۶۰). در روز غدیر خم نیز زنان همپای مردان در بیعت با امیرمؤمنان (ع) شرکت داشتند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۴: ۱۱۲) و پشتوانه خلافت آن حضرت نیز بیعت مردم از جمله زنان بود. (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۵، ج ۴: ۷۲۲، ذیل خطبه ۲۲۰)

از سوی دیگر، می‌توان گفت بیان داستان حکومت مقتدری را که در رأس آن یک پادشاه زن قرار دارد و در سوره نمل بیان شده (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۲۹۵؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۲: ۵۷۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۷۳)، بیانگر هویت بخشی به جنسیت زن در منظومه سیاسی در نظر گرفت. در این سوره، داستان ایمان آوردن ملکه سبأ به حضرت سلیمان (ع) بیان شده است (نمل: ۴۴-۱۵). منزلت این زن در رأس حکومت به گونه‌ای است که حضرت سلیمان (ع) به عنوان پیامبری که خداوند امکانات مادی و معنوی فراوانی به او اعطا کرده است، برای ایشان نامه محترمانه و رسمی ارسال می‌کند. (نمل: ۲۸)

گفتنی است ذکر داستانهای قرآنی متناظر با وضعیت مکه و مدینه برای گفتمان‌سازی، اصلاح تفکر و بینش و به تعبیری، القای پیامهای هدایتی و زدودن پیش‌زمینه‌های جاهلی است؛ همان‌طور که می‌فرماید: «... لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ...» (یوسف: ۱۱۱). بر این اساس می‌توان ذکر داستان ملکه سبأ را متناظر با وضعیت زن در شبه جزیره عربستان و ارتقای هویت آن در عرصه سیاسی دانست.

۳. آیه خلقت، زمینه‌ای برای خوانش برتری جنسیتی

عدم توجه به دلالت صحیح آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹)، مقدمه‌ای برای تلقی برتری جنسیت مرد به زن شده است؛ با این بیان که ظاهر آیه بیانگر این نکته است که خداوند همه انسانها را از یک نفس آفریده و همسرش را از او پدید آورده است. تعبیر سنتی مفسران متقدم این گونه است که خداوند حوا را از یک دنده آدم (ع) آفرید (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۲: ۷۸؛ سمرقندی، بی تا، ج ۱: ۵۷۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۵: ۱۶۳۰؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۹: ۹۷؛ سوره آبادی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۸۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۸۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۹: ۳۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۸۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۴۲۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۴۵؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۸۱؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۰۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴: ۱۵۶). خوانش مذکور مطابق گفتمان عهد قدیم است: «خداوند آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یک دنده‌اش را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد و از آن دنده، زنی به وجود آورد و پیش آدم آورد. آدم گفت: این است استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم. نام او نسا باشد؛ چون از انسان گرفته شد (سفر پیدایش، باب ۲: فقرات ۲۴-۲۱). خوانش مذکور به طور ناخودآگاه زمینه‌ساز برتری جنس مرد بر زن است. به طور خاص اگر اینگونه تلقی شود که حوا از آدم (ع) و برای راحتی آدم خلق شده باشد، القاگر این نکته است آدم، اصل است و حوا، فرع؛ همان‌طور که در گفتمان تورات گزارش شده: «خداوند فرمود: شایسته نیست آدم تنها بماند باید برای او یار مناسبی به وجود بیاورم». (همان: فقره ۱۸)

بر اساس سبک و فرهنگ قرآن، دلالت آیه بیانگر همسانی نوع (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۳۷۴) و جنس (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۹) خلقت آدم و حواست که از جنس خاک است (آل عمران: ۵۹). در جای دیگر، مرحله بعد از خاک و تبدیل شدنش به گل را متذکر شده است: «... وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده: ۷). بر اساس آیه مذکور، مصداق عینی «انسان»، حضرت آدم و حواست؛ چون در ادامه سیاق، از چگونگی خلقت نسل انسان با این بیان که از چکیده آب پست خلق شده‌اند (سجده: ۸)، سخن رانده است و همه انسانها را از نسل آدم و حوا می‌داند. همچنین حالات مختلف خلقت آدم و حوا از خاک، در فرهنگ قرآنی ذکر شده است. (صافات: ۱۱؛ حجر: ۲۶؛ رحمن: ۱۴)

بنابر این، خداوند ضمن اشاره به همسانی جنس خلقت و وصول به سکینه و آرامش در سایه با هم بودن؛ در ادامه آیه شریفه تصویری از مفهوم خانواده، متشکل از پدر و مادر و فرزندان را ترسیم می‌کند؛ به طوری که هر دو همزمان از خداوند درخواست فرزند صالح کرده و برای شکر نعمت تأکید بر شاکر شدن خود کرده‌اند: «... دَعَا اللَّهُ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۸۹). سیاق آیه دال بر عدم برتری جنسیت زن و مرد بر

همدیگر و برتری هر دو در سایه تشکیل خانواده است. همچنین نافی خوانش عهد قدیم و خلقت یکی برای دیگری است و اثبات خلقت هر دو به طور همزمان، برای اهدافی والاست. همان طور که می فرماید: از نشانه های ربوبی خداوند این است که از نوع خودتان همسرانی برای تان آفرید تا بدان به آرمش برسید و میان شما و همسران دوستی و رحمت ایجاد کرد (روم: ۲۱)؛ بیان ذیل هم نشانگر همتراز بودن هر دو جنسیت در خانواده است؛ به طوری که رحمت و مودت متوجه هر دو جنس است. همچنین هر جنس به تنهایی ناقص و محتاج دیگری است؛ به همین سبب برای تکامل به همدیگر نیازمندند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۱۶۶) و هر جنسی باعث نشاط و شکوفایی استعدادهاى دیگری می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۹۲). همچنین تعبیر «مَنْ أَنْفُسُكُمْ أَرْوَاجًا» بیانگر شکل و جنس است؛ چون میان دو چیز از یک جنس انس و الفت است و میان دو ناهمجنس، جدایی و دوری است. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۶۲)

۴. برداشت فراجنسیتی و دلالت شناسی آیه ۳۴ سوره نساء

سوره نساء با توصیه به تقوا و ضرورت عمل به دستورات خداوند آغاز می شود (نساء: ۱). بررسی دیدگاه مفسران، گویای تأثیر ناخودگاه جنسیت در برداشت از متن است؛ در حالی که مطلع و شروع سوره به نوعی بیانگر عدم برتری جنسیتی در سبک و فرهنگ قرآنی است و خداوند در آغاز با ذکر یک ملاک بنیادین، راه خوانشهای برتری جنسیتی را سد می کند؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱). ابتدای آیه با مخاطب قرار دادن همه انسانها، اعم از زن و مرد، به تقوای الهی توصیه می کند و در وصف خداوند، به چگونگی خلقت انسان و تکثیر نسل از آدم و حوا (ع) اشاره کرده و در نهایت، امر به تقوا را تکرار می کند و در وصف خداوند، تعبیر «خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می کنید» اضافه شده است. در انتها توصیه به پیوستگی ارحام داده و درباره قطع رحم، به نگرهبان بودن خداوند اشاره می کند. بر این اساس، آیه در مقام بیان این نکته است که انسانها از حیث «حقیقت و جنس» یک واقعیت بوده و منشعب از یک ریشه با تمام کثرت اند؛ تعبیر «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» مؤید این معناست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۱۳۶). مردم در اصل انسانیت با هم برابرند؛ با کاربست تقوا، دیگر بین زن و مرد و کوچک و بزرگ، تفاوتی نخواهد بود و مرد به زن و بزرگ به کوچک ظلم نخواهد کرد (همان: ۱۳۴). بنابر این، برداشت های برتری جنسیتی در آیه ۳۴ بر خلاف مطلع سوره است.

در ادامه، قوانین و احکام خداوند در زندگی انسانها را بیان می‌کند و اولین دستوری که مد نظر قرار داده، رعایت حقوق یتیمان است (نساء: ۱۰-۲). سپس ارث، سهم الارث و روش تقسیم آن ذکر می‌شود (نساء: ۱۴-۱۱). حرمت زنا، قانون و حکم بعدی است که خداوند بیان می‌کند (نساء: ۱۵-۱۸). در حکم بعدی با محوریت جنسیت زن، با تعبیر ممنوعیت غصب اجباری اموال زنان، بحث را پیش می‌برد و در مسائل مالی به زنان هویت داده، استقلال مالی زنان را تثبیت کرده، اجازه دست‌درازی اجباری را نفی می‌کند (نساء: ۲۲-۱۹). از آنجا که استقلال مالی زنان را در حیطه ازدواج طرح کرده بود؛ در ادامه سیاق، حکم ازدواج با انواع زنان را بیان می‌کند (نساء: ۲۸-۲۲). سپس زنجیره محتوایی کلام با ممنوعیت کسب درآمدهای حرام ادامه می‌یابد (نساء: ۳۱-۲۹) و در نهایت، به تفاوت‌های حقوقی زن و مرد پرداخته می‌شود. (نساء: ۳۵-۳۲)

اصل «قوامون» در خانواده زبانه‌های سامی به معنای برخواستن و ایستادن است (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۲: ۷۳۱-۷۳۲). ماده مذکور جمع صیغه مبالغه از «قائمه» و آن از «قوام» و «قیام» در معنای ایستادن است و در قالب مبالغه بیانگر کثرت و زیادت پافشاری، ایستادگی برای چیزی است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۷۰). اگر عیناً ریشه سه حرفی در قالب مبالغه معنا شود، بیانگر یک مفهوم عرفی است؛ با این بیان که مردان برای رفع نیازهای زنان و در مقابل، زنان آماده به خدمت و همیشه ایستاده و دست به سینه‌اند و اینکه برخی نوشته‌اند مردان خدمتکار زنان اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۶۹)، به سبب تحلیل مذکور است. در فرهنگ و گفتمان اسلامی، مردان خدمتکار زن و خانواده‌اند و باید در این آماده به خدمت بودن و رفع نیاز، تمام نیازهای زن را اعم از اقتصادی، جسمی، روحی، عاطفی، جنسی و ... را بدانند و به نوعی از مردان، اشخاص ایدئال و کاملی برای زنان تصویرسازی می‌کند و درست به همین سبب در ادامه آیه، از زنان، زنان کامل و ایدئال مقابل چنین مردان را انتظار دارد. باید توجه داشت که «قوامون» در معنای سرپرستی خانواده (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۵۴) هم نزدیک به معنای قیام برای رفع نیازهای زن است؛ بدین سبب که به سبب برتری مردان، مدیریت و سرپرستی زنان و خانواده را به عهده دارند و در این گفتمان سرپرست و مدیر در معنای خدمتگزار است. وقتی شخصی برای خانواده کسب درآمد کرده و تلاش می‌کند، در واقع با درآمدهای کسب شده برای رفاه و زندگی بهتر خدمت می‌کند. برداشت مذکور دقیقاً، دلالت مورد تأیید سیاق است.

تأثیر جنسیت به خصوص در برداشت از متن «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» در تفاسیر متقدم بیشتر به چشم می‌خورد، به طوری که تبیین آنان، بدون توجه به سیاق و خارج شدن

از معنای محدوده‌ای تعبیر و صرفاً مقایسه مردان و زنان با هم در امور شرعی، روزمره، اجتماعی و سیاسی و در نتیجه بیان برتری مردان به زنان است؛ در حالی که تعبیر مذکور، تکرار لفظی و معنایی همان تعبیر «ما فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ» در آیه ۳۲ است که درباره سهم الارث صحبت می‌کند و مراد از فضل و برتری در اینجا، زیادت سهم الارث مردان نسبت به زنان است که برای برخی از زنان و مسلمانان سؤال ایجاد شده بود (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۶۹؛ طوسی، بی تا، ج ۳: ۱۸۴). خداوند در گام اول، آرزو و درخواست سهم الارث مساوی با مردان را رد می‌کند و در ادامه، اصل سهم الارث را برای بازماندگان مرد و زن متذکر شده (نساء: ۳۳) و در نهایت، در تعلیل برتری اقتصادی و سهم الارث مردان به زنان و از بین بردن شبهه تبعیض بین مردان و زنان از طرف خداوند، به فلسفه برتری اقتصادی آن اشاره می‌کند؛ با این تعبیر که اگر مردان برتری سهم الارث دارند، بدین سبب است که آنان خادم و سرپرست اقتصادی زنانند و در واقع؛ باز این برابری و زیادت به خود زنان با عنوان «نفسه» برمی‌گردد. مؤید بیان مذکور، سبب نزولی است که برای آیه ۳۴ گزارش شده است. ام سلمه، همسر پیامبر (ص) از ایشان سؤال کرد چگونه سهم ارث مردان از زنان زیاد است؟ که آیه ۳۴ نساء نازل شد. (شیبانی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۴۹)

نکته قابل توجه این است که تعبیر ادعای برتری، در یک سیاق دو مرتبه با یک سبک و لحن و سیاق تکرار شده است تا امکان خوانش برتری جنسیتی را از بین ببرد و بلافاصله تعبیر «بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...» با کاربرد سبک مشابه «بِمَا» به برتری سهم الارث و اقتصادی، آن هم برای خدمت به خانواده و زن و دادن نفقه، صحه گذاشته و نافی خوانشهای جنسیتی دیگر است.

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا. وَ لِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَ الْأَقْرَبُونَ وَ الَّذِينَ عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...» (نساء: ۳۲-۳۴)

مرد در برابر زن و فرزند، متعهد به پرداخت مهریه و هزینه‌های زندگی و تأمین زندگی آبرومندانه است. به همین سبب حق سرپرستی اقتصادی و خادم بودن، از آن مرد است. همچنین از مؤلفه‌های این تکلیف، تفاوت‌های بین زنان و مردان است؛ زنان بر خلاف مردان از احساسات و عاطفه قوی بهره‌مندند و در مقابل، قدرت بدنی و نیروی جسمی مردان نسبت به زنان بیشتر است؛ به طوری که با قوت بدنی می‌توانند کسب درآمد کنند و در خدمت خانواده

باشند. البته محتمل است زنانی در ویژگی‌های مذکور بر همسران خود امتیاز داشته باشند، ولی باید توجه داشت که قوانین به تک‌تک افراد نظر ندارد، بلکه نوع را در نظر می‌گیرد و نوع مردان نسبت به نوع زنان برای این کار آمادگی بیشتری دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۷۰). به همین سبب اگر شرایط کاری و اقتصادی زن و مرد عوض شود و شرایط خانوادگی و قوام زندگی بر محور خانواده اقتضا کند، «گاهی مرد قیّم زن است و گاهی زن قیّم مرد» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۹۳)؛ زیرا این قیّمومت، یک وظیفه است، نه یک مزیت.

ج) نتیجه‌گیری

بررسی دیدگاه مفسّران از قرن دوم تا سیزدهم، بیانگر تأثیر غیر مستقیم جنسیت مفسّر در برداشت از متن است و باعث خوانش مردان در برتری مردان بر زنان شده است و برتری را در زیادت عقل، دین، قدرت، علم، عدم قصاص مرد در قتل زن، جهاد، جمعه و جماعات، اذان، تعدد زوجات، ازدواج با کنیز و ... دانسته‌اند. ولی در دوران معاصر، برتری جای خود را به تفاوت‌های جنسیتی، بدون ملاک برتری داده و بیانگر این نکته است که با گذر زمان و تعدیل گفتمان‌های زمان حول محور زن، خوانش‌های برتری جنسیتی، تعدیل و اصلاح می‌شود. در تفاسیر متقدم، آیه خلقت به سبب وجود روایات اسرائیلی، زمینه خوانش برتری جنسیتی را بر خلاف سبک قرآن فراهم کرده است.

مبنای مفسّر برای عدم تأثیر جنسیت در برداشت از متن، می‌تواند توجه به سبک مواجهه قرآن با جنسیت مذکور باشد؛ به طوری که در رویکرد به قرآن به مثابه متن، آیاتی ذیل برگرداندن حقوق از دست رفته زنان در جاهلیت و گفتمان‌سازی تساوی جنسیتی مدّ نظر قرار می‌گیرند و در رویکرد قرآن به مثابه روش، شأن جنسیت زن و ارتقای آن در یک روش دقیق و مهندسی شده ترسیم می‌شود؛ به گونه‌ای که در گام اول، حقوق از دست رفته زنان عادی در زندگی خانوادگی با بطلان طلاق ظاهر را به آنان برمی‌گرداند و در گام دوم، یک تعداد خاص را بر خلاف گفتمان موجود به عنوان الگو مورد تکریم قرار داده و وظایف آنان را برمی‌شمارد. در گام بعدی برای همه زنان در منظومه دینی و زندگی زناشویی، عرصه اقتصادی و سیاسی بر خلاف گفتمان موجود هویت‌سازی می‌کند. مؤلفه‌های مذکور به عنوان مبنای نافی خوانش مردانه باید به کار بسته شود.

دلالت آیه ۳۴ سوره نساء بر اساس سیاق و مطلع سوره، نشان از عدم برتری جنسیتی و اثبات‌کننده برابری جنسیتی است؛ به طوری که عین لفظ فضیلت و برتری در سیاق تکرار شده و بیانگر برتری سهم الارث مردان و برتری اقتصادی است و این برتری، نه مزیت، بلکه

ارزیابی تأثیر جنسیت مفسر در برداشت از متن ... ❖ ۱۹۳

تکلیف خدمتگذاری مردان برای زنان را گفتمان‌سازی می‌کند که باید به زنان نفقه پردازند. در واقع؛ برتری به نفع زن و برای خدمت به اوست، نه خوانشهای مقایسه‌ای زنان و مردان در منظومه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و عبادی.



منابع

- قرآن کریم.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید). ترجمه فاضل خان همدانی (۱۳۸۸)، تهران: اساطیر.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم. عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ ق). کتاب التسهیل لعلوم التزیل. بیروت: دارالأرقم بن ابی الأرقم.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی، چ چهارم.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی (۱۴۱۸ ق). الطبقات الكبرى. تحقیق: عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه، چ دوم.
- ابن شعبه الحرانی، ابومحمد حسن بن علی (۱۴۲۵ ق). تحف العقول عن آل الرسول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ ق). البحر المديد في تفسير القرآن المجيد. قاهره: دکتر حسن عباس زکی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
- ابو عبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ ق). مجاز القرآن. قاهره: مکتبه الخانجی، چ سوم.
- الهوئی نظری، زهرا (۱۳۸۳). «بازگشت سنن جاهلی در دوران پس از پیامبر (ص) و نقش آن در تحول منزلت زن». فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال چهاردهم، ش ۵۱.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق). البحر المحيط فی التفسیر. بیروت: دارالفکر.
- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر القرآن. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- بخاری، امام ابو عبدالله (۱۴۱۰ ق). الصحيح. دارالفکر.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر جامع. تهران: صدر، ششم.
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد (۱۴۱۵ ق). لباب التاویل فی معانی التزیل. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ارزیابی تأثیر جنسیت مفسر در برداشت از متن ... ❖ ۱۹۵

- بغوی، حسین بن محمود (۱۴۲۰ ق). **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق). **تفسیر مقاتل بن سلیمان**. بیروت: دار احیاء التراث.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق). **أنوارالتنزیل و أسرار التأویل**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ ق). **جواهر الحسان فی تفسیر القرآن**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ ق). **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جعفرنیا، فاطمه (۱۳۹۳). «فرهنگ یهود و تأثیر آن در بازتولید نگاه جاهلی به جایگاه زن مسلمان». *مطالعات تاریخ اسلام*، سال هفتم، ش ۲۳: ۱۱۱-۸۳.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۲). **تاریخ سیاسی اسلام**. قم: دلیل ما.
- جواد علی (۱۹۷۶ م). **المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام**. بیروت: دارالعلم للملایین و بغداد: مکتبه النهضه، چ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). **زن در آئینه جلال و جمال**. قم: اسراء.
- حتی، فلیپ خوری (۱۳۸۰). **تاریخ عرب**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی، چ سوم.
- حسون، محمد و امعلی مشکور (۱۴۲۱ ق). **اعلام النساء المؤمنات**. تهران: اسوه.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ ق). **انوار درخشان در تفسیر قرآن**. تهران: لطفی.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). **تفسیر روح البیان**. بیروت: دارالفکر.
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱). **کشف الأسرار و عده الابوار**. تهران: امیر کبیر، چ پنجم.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. بیروت: دارالکتاب العربی.
- سالم، عبدالعزیز (۱۳۹۱). **تاریخ عرب قبل از اسلام**. ترجمه باقر صدری نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی تا). **بحر العلوم**. [بی جا]: [بی نا].
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد (۱۳۸۰). **تفسیر سورآبادی**. تهران: فرهنگ شهر نو.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین (بی تا). **تلخیص البیان عن مجازات القرآن**. [بی جا]: [بی نا].
- شبر، سید عبدالله (۱۴۱۲ ق). **تفسیر القرآن الکریم**. بیروت: دارالبلاغه للطباعه والنشر.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳). **تفسیر شریف لاهیجی**. تهران: داد.

- شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ ق). **نهج البیان عن کشف معانی القرآن**. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲). **پرتوی از قرآن**. تهران: شرکت سهامی انتشار، چ چهارم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). **تفسیر جوامع الجامع**. تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو، چ دوم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). **مفاتیح الغیب**. بیروت: داراحیاء التراث العربی، چ سوم.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ ق). **تفسیر الصافی**. تهران: الصدر، چ دوم.
- فیض الاسلام، علینقی (۱۳۶۵). **ترجمه و شرح نهج البلاغه**. تهران: چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷). **تفسیر أحسن الحدیث**. تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). **الجامع لأحكام القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸). **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). **تفسیر قمی**. قم: دارالکتاب، چ چهارم.
- قندوزی حنفی، حافظ سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ ق). **ینایع الصنائع فی ترتیب الشرائع**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶). **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**. تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳ ق). **زبده التفاسیر**. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی (۱۳۶۹). **مواهب علیه**. تهران: اقبال.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق). **الکافی**. تصحیح علی اکبر غفاری و دیگران. تهران: دارالکتب الإسلامیه، چ چهارم.
- مبلّغی، عبدالمجید (۱۳۹۹ ش). «ژئوپولتیک قبیله گرایی و مواجهه اسلام با آن؛ ظهور اسلام به مثابه دینی ابراهیمی در ساختار ژئوپولتیکال عربستان». *تاریخ اسلام*، سال بیست و یکم، ش ۸۴: ۲۴-۷.

ارزیابی تأثیر جنسیت مفسر در برداشت از متن ... ۱۹۷

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۷). *فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مصطفائی، محمد (۱۳۹۹). «*تحلیل کارگفت سوره کوثر*». حدیث و اندیشه، ش ۳۰.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. تهران: نشر کتاب.
- مظهری، محمد ثناءالله (۱۴۱۲ ق). *التفسیر المظهری*. پاکستان: مکتبه رشدیة.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۸). *ارشاد*. قم: سرور.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نصیری، محمد و حسین زارعکار (۱۳۹۶). «*تحلیل جامعه‌شناختی مسئله زنده به گور کردن دختران در جزیره العرب عصر جاهلی*»، پژوهشهای تاریخی اسلام و ایران، ش ۲۰: ۲۱۴-۱۹۷.

- **The Holy Quran.**
- **Holy Book (Old Testament and New Testament)**. Translated by: Fazel Khan Hamedani (2009). Tehran: Asatir Publications.
- Abulfotuh Razi, Hossein ibn Ali (1987). **Ruz al-Jinan and Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Qur'an**. Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation.
- Abu Ubaideh, Muammar ibn Muthni (1961). **Majaz al-Qur'an**. Cairo: Al-Khanji School, 3th edition.
- Andalusi, Abuhayyan Mohammad ibn Yusuf (1999). **Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir**. Beirut: Dar al-Fikr.
- Baghdadi, AlaEddin Ali ibn Mohammad (1994). **Lobab al-Ta'wil fi Ma'ani al-Tanzil**. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Baghavi, Hossein ibn Mahmoud (1999). **Ma'alim al-Tanzil fi Tafsir al-Qur'an**. Beirut: Dar ihya al-Thurath al-Arabi.
- Bahrani, Seyyed Hashem (1995). **Al-Borhan fi-tafsir al-Qur'an**. Tehran: Be'that Foundation.
- Balkhi, Muqatil ibn Suleiman (2002). **Tafsir of Muqatil ibn Suleiman**. Beirut: Dar Ihya al-Turath.
- Banu Esfahani, Sayeda Nusrat Amin (1982). **Makhzan Al-Irfan fi Tafsir al-Qur'an**. Tehran: Muslim Women's Movement.
- Beyzawi, Abdollah ibn Omar (1997). **Anwar al-Tanzil and Asrar al-Tawil**. Beirut: Dar ihya al-Thurath al-Arabi.
- Boroujerdi, Seyyed Mohammad Ibrahim (1987). **Tafsir Jame'**. Tehran: Sadr Publications, 6th edition.
- Bukhari, Imam Abu Abdollah (1989). **Al-Sahih**. Dar al-Fikr.
- Elhoui Nazari, Zahra (2004). "The Return of Jahili traditions in the era after the Prophet (PBUH) and its role in the evolution of women's status". *Al-Zahra University Scientific-Research Quarterly of Humanities*, Year 14, No. 51.
- Fakhr Razi, Abu Abdollah Mohammad ibn Omar (1999). **Mafatih al-Gheib**. Beirut: Dar Ihya al-Thurath al-Arabi, 3th edition.

- Feiz Kashani, Molla Mohsen (1994). **Tafsir Al-Safi**. Tehran: Al-Sadr, 2th edition.
- Feiz-al-Islam, Ali Naqi (1986). **Translation and description of Nahj-al-Balagha**. Tehran: Faiz-al-Islam Publications Institute.
- Ibn Abi Hatem, Abd al-Rahman ibn Mohammad (1999). **Tafsir al-Qur'an al-Azeem**. Saudi Arabia: School of Nizar Mustafa al-Baz.
- Ibn Ajibe, Ahmad ibn Mohammad (1998). **Al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Qur'an al-Majid**. Cairo: Dr. Hassan Abbas Zaki.
- Ibn Jazi Gharnati, Mohammad ibn Ahmad, (1995). **Kitab al-Tashil al-Uloom al-Tazil**. Beirut: Dar al-Arqam ibn Abi al-Arqam.
- Ibn Khaldoun, Abdul Rahman (1984). **Introduction to Ibn Khaldoun, translated by: Mohammad Parvin Gonabadi**. Tehran: Scientific and Cultural, 4th edition.
- Ibn Sa'd, Mohammad ibn Sa'd ibn Mani' al-Hashemi (1997). **Tabaqat al-Kubari**. Research: Abdul Qadir Atta. Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya, 2th edition.
- Ibn Shuba al-Harani, Abu Mohammad Hasan ibn Ali (2004). **Tohf al-uqool an Al-Al-Rasoul**. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Ibn Atiyyah Andalusi, Abd al-Haqq ibn Ghalib (2001). **Al-moharrar al-wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz**. Beirut: Dar al-Kitab Al-Ulamiya.
- Jafarian, Rasul, (2003). **Political History of Islam**. Qom: dalil ma.
- Jafarnia, Fateme (2014). **"Jewish culture and its influence in reproducing the ignorant view of the position of Muslim women"**. *Islamic History Studies*, 7th year, No. 23: 83-111.
- Javad Ali, (1976). **Al-Mufasssal fi Tarikh al-Arab qabl as Islam**. Baghdad: University of Baghdad, 2th edition.
- Javadi Amoli, Abdollah (2008). **Woman in the Mirror of Beauty and Grandeur**. Qom: Isra.
- Hatit, Flip Khoury (2001). **Arab History**. Translated by: Abolqasem Payandeh. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, 3th edition.
- Hassoun, Mohammad & Umm-Ali Mashkoor (2000). **Declaring the Women of the Faithful**. Tehran: Osveh.
- Hosseini Hamedani, Mohammad (1983). **Anvar derakhshan dar Tafsir Qur'an**. Tehran: Lotfi.
- Haghi Brosui, Ismail (No Date). **Tafsir Ruh al-Bayan**. Beirut: Dar al-Fikr.
- Kashani, Molla Fathullah (1957). **Tafsir Manhaj al-Sadiqin fi elzam al-Mokhalifiin**. Tehran: Mohammad Hasan Elmi Bookshop.
- Kashani, Molla Fathullah (2002). **Zubdah al-Tafasir**. Qom: Foundation of Islamic Studies.
- Kashefi Sabzevari, Hossein ibn Ali (1990). **Mowahebe Alaih**. Tehran: Iqbal Printing and Publishing Organization.
- Koleini, Mohammad ibn Ya'qub ibn Izaq (1986). **Al-Kafi**. Researcher/corrector: Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi. Tehran: Dar al-Kitab al-Islami, 4th edition.

- Kundozi Hanafi, Hafez Soleiman ibn Ibrahim (2001). **Yanabi' al-Sana'e fi tartib al-Sharia'**. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Majlesi, Mohammad Baqir (1982), **Bihar al-Anwar**. Beirut: Dar Ihya al-Thurath al-Arabi.
- Mashkuor, Mohammad Javad (1978). **Comparative Arabic Culture with Semitic and Iranian Languages**. Tehran: Farhang Iran Foundation.
- Mazhari, Mohammad SanaAllah (1991). **Al-Tafsir al- Mazhari**. Pakistan: School of Roshdieh.
- Moballegghi, AbdolMajid (2020). "**Geopolitics of Tribalism and Islam's confrontation with it; The emergence of Islam as an Abrahamic religion in the geopolitical structure of Saudi Arabia**". *Islamic History Quarterly*, year 21, 84: 7-24.
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad (2009). **Ershad**. Qom: Sarvar.
- Mostafaei, Mohammad, (2020). "**Analysis of the sayings of Surah Kauthar**". *Hadith and Andisheh magazine*, No. 30.
- Mostafavi, Hasan (2001). **Tafsir Roshan**. Tehran: Nashr Kitab.
- Makarem Shirazi, Naser (1995). **Tafsir Nemooneh**. Tehran: Dar al-Kitb al-Islamiah.
- Nasiri, Mohammad & Hossein Zarekar (2017). "**A sociological analysis of the issue of burying girls alive in the Arabian Peninsula in the Jahili era**". *Journal of Historical Researches of Islam and Iran*, No 20: 197-214.
- Qomi, Ali Ibn Ibrahim (1988). **Tafsir Qommi**. Qom: Dar al-Kitab, 4th edition.
- Qomi Mashhadi, Mohammad ibn MohammadReza (1989). **Tafsir Kanz al-Da'ayeq va Bahr al-Gharaib**. Tehran: Ministry of Islamic Guidance.
- Qorashi, Ali Akbar (1998). **Tafsir Ahsan al-Hadith**. Tehran: Be'that Foundation.
- Qortubi, Mohammad ibn Ahmad (1985). **Al-Jame Leahkam al-Qur'an**. Tehran: Nasser Khosrow.
- Rashid al-Din Meibodi, Ahmad ibn abi Sa'd (1992). **Kashf al-Asrar va oddat al-Abrar**. Tehran: Amir Kabir Publications, 5 th edition.
- Salem, Abdul al-Aziz (2012). **Arab history before Islam**. Translated by Bagher Sadriniya. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Samarqandi, Nasr ibn Mohammad ibn Ahmad (No Date). **Bahrul Uloom**.
- Sourabadi, AbuBakr Atiq ibn Mohammad (2001). **Tafsir Sourabadi**. Tehran: Farhang Shahr Nou.
- Seyyed Razi, AbulHasan Mohammad ibn Hussain (No Date). **Talkhis al-Bayan an majazat al-Qur'an**.
- Shobbar, Seyyed Abdollah (1991). **Tafsir al-Qur'an al-Karim**. Beirut: Dar al-Balagha leltabaat va al-nashr.
- Sharif Lahiji, Mohammad ibn Ali (1994). **Tafsir Sharif Lahiji**. Tehran: Daftar nashr dad.
- Sheibani, Mohammad ibn Hassan (1992). **Nahj al-Bayan an kashf maani al-Qur'an**. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- Tabari, Abu Jafar Mohammad ibn Jarir (1991). **Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an**. Beirut: Dar al-Maarafa.

- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1993). **Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an**. Tehran: Nasser Khosrow, 2th edition.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1998). **Tafsir Jawame' al-Jame**. Tehran: University of Tehran and Management of Qom Seminary.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1996). **Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an**. Qom: Islamic Publications Office, 5th edition.
- Taleghani, Seyyed Mahmoud (1983). **Partoie as Qur'an**. Tehran: Athakh Publishing Company, 4th edition.
- Thaalebi, Abd al-Rahman ibn Mohammad (1997). **Jawahar al-Hesan fi Tafsir al-Qur'an**. Beirut: Dar ihya al-Thurath al-Arabi.
- Tha'labi Neishabouri, Abu Izaq Ahmad ibn Ibrahim (2001). **Al-Kashf and Al-Bayan on Tafsir al-Qur'an**. Beirut: Dar Ihya al-Thurath al-Arabi.
- Tusi, Mohammad ibn Hasan (No Date). **Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an**. Beirut: Dar Ihya al-Thurath al-Arabi.
- Zamakhshari, Mahmoud (1986). **Al-Kashaf and Haghaegh-e Ghwamaz al-Tanzil**. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

